

چهارچوب اجرایی تأمین نیازهای یادگیری بایه

رهنمودهایی به منظور اجرای «اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه»

شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹ مارس ۱۹۹۰ برابر ۱۸ اسفند ماه ۱۳۶۸

مقدمه:

۱ - این چهارچوب اجرایی به منظور تامین نیازهای یادگیری پایه از اعلامیه جهانی «آموزش و پرورش برای همه» منتج شده است. اعلامیه مذکور توسط کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه که با شرکت نمایندگان دولتها، آژانسهای توسعه دوجانبه و بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی تشکیل یافته بود، مورد تصویب قرار گرفت. این چهارچوب به عنوان مرجع و راهنمایی برای دولتهای ملی سازمانهای بین‌المللی و غیردولتی و همه آنها یکبارگی در تنظیم طرح‌های اجرایی خود برای اجرای اعلامیه جهانی نسبت به هدف «آموزش و پرورش برای همه» متعهد بودند، در نظر گرفته شد. در این چهارچوب سه سطح گسترده از اقدامات توضیح داده شده است:

تال جامع علوم انسانی

الف - اقدامات مستقیم داخل کشورها.

ب - همکاری در میان آن گروه کشورهایی که ویژگیها و علائق مشترک خاصی دارند.

ج - همکاری دویا چندجانبه در جامعه جهانی.

۲ - هر یک از کشورها، همین طور سازمانهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توانند از چهارچوب برای بسط برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی که در راستای اهداف خاص و تعهداتشان باشد استفاده نمایند. در واقع در تجربه ده ساله پروژه اصلی یونسکو در مورد آموزش و پرورش برای آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب وضع بدین گونه بوده است. مثالهای دیگر از چنین ابتکاراتی عبارتند از: طرح اجرایی یونسکو برای ریشه‌کنی بی‌سوادی تا سال ۲۰۰۰ که توسط کنفرانس عمومی یونسکو در بیست و پنجمین نشست خود (۱۹۸۹) مورد تصویب قرار گرفت:

برنامه ویژه ایسیسکو (ISESCO- ۱۹۹۰)، تجدید نظر اخیر بانک جهانی در سیاست خود برای آموزش و پرورش ابتدائی، و برنامه (USAID) برای پیشرفت آموزش پایه و بی سوادى تا آنجا که چنین طرحهای اجرایی، سیاستها و برنامهها با این چهارچوب سازگار است، کوششهایی که در سرتاسر جهان برای تأمین نیازهای یادگیری پایه به عمل می آید، هم جهت شده و همکاری را تسهیل خواهد نمود.

۳- در حالی که کشورها علائق مشترک بسیاری در تأمین نیازهای اساسی یادگیری مردم خود دارند، این علائق از لحاظ طبیعت و شدت یک کشور نسبت به کشور دیگر بسته به موقعیت واقعی آموزش و پرورش پایه و همین طور بافت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی هر کشور متفاوت می باشد. اگر تا سال ۲۰۰۰ میزان ثبت نام در سطح موجود ثابت بماند، بیش از ۱۶۰ میلیون کودک محروم از تحصیلات ابتدائی صرفاً بخاطر رشد جمعیت وجود خواهد داشت. در قسمت عمده ای از آفریقا و در بسیاری از کشورهای کم درآمد جهان تأمین آموزش ابتدائی همگانی برای شمار روبه رشد کودکان، به کوششی دراز مدت، نیاز دارد. علی رغم پیشرفت در ارتقا سواد بزرگسالان، اکثر این کشورها هنوز نرخ بی سوادى بالایی دارند. در بیشتر کشورهای غربی، آسیای همین طور اروپایی و آمریکای شمالی رقم روزافزون بی سوادى عملاً مشکل اجتماعی بزرگی برای آنها بوجود آورده است. افراد بسیاری به دلایلی از قبیل، نژاد، جنس، زبان، ناتوانی، ریشه های قومی یا اتهامات سیاسی از دسترسی به تساوی (در آموزش و پرورش) محروم می باشند. به علاوه، نرخ بالای ترک تحصیل و پیشرفت کم یادگیری، مسائل مشترک شناخته شده در سرتاسر جهان هستند. این ویژگیهای عمومی نیاز به اقدامی قاطع در مقیاسی وسیع با اهداف و مقاصد روشن را نشان می دهد.

اهداف

۴- هدف نهایی تعیین شده در اعلامیه جهانی آموزش و پرورش برای همه، تأمین نیازهای یادگیری پایه برای کلیه کودکان، جوانان و بزرگسالان می باشد. در صورتیکه هدفهای میانی برآورد شده و پیشرفت حاصله در این زمینه مورد ارزیابی قرار گیرد، می توان به کوششهایی دراز مدت در جهت نیل به اهداف نهایی تداوم بخشید. مقامات ذیصلاح در سطوح ملی و غیرملی، می توانند این اهداف میانی را تعیین کنند و در عین حال هدفهای اعلامیه و اولویتهای توسعه ملی را نیز مد نظر داشته باشند.

۵- اهداف میانی را می توان به عنوان مقاصد خاصی در داخل طرح های ملی و غیرملی برای پیشرفت آموزشی به خوبی تنظیم نمود. این مقاصد معمولاً:

الف- موفقیتها و نتایج مورد انتظار را در مقایسه با ویژگیهای عملکرد نهایی در داخل یک

چهارچوب زمانی مناسب مشخص می نماید، ب - طبقه بندی اولویتها (افراد فقیر و ناتوان) را مشخص می سازد ج - مقاصد خاص بر حسب اینکه پیشرفت به سمت آنها مشهود و قابل سنجش باشد، تنظیم می شود. این مقاصد تنها «زمینه ای» را، برای پیشرفت مداوم برنامه ها و خدمات آموزشی ارائه می دهد.

۶ - اهداف زمانبندی شده نشانگر مفهومی از فوریت است و می توان پیشرفت اجرا و موفقیت طرحها را با آنها مقایسه کرد. همان گونه که شرایط اجتماعی، متحول می شود، طرح ها و مقاصد را نیز می توان مورد تجدیدنظر قرار داد. درجاییکه تلاش های آموزشی پایه باید برای تامین نیازهای گروه های اجتماعی ویژه تمرکز یابد، ارتباط مقاصد به این گروه که برای آموزش اولویت دارند، می تواند برای جلب توجه طراحان، دست اندکاران و نیز استفاده در ارزشیابی ها به منظور تامین نیازهای این فراگیران کمک نماید. هم چنانکه اهداف قابل مشاهده و قابل سنجش، به ارزیابی عینی پیشرفت کمک می نماید.

۷ - نیازی نیست که هدفها تنها بر اساس روش ها و منابع موجود استوار باشد هدفهای اولیه می تواند بیانگر یک ارزیابی واقعی از امکانات ارائه شده به وسیله اعلامیه باشد تا ظرفیتها و توانائیهای انسانی، سازمانی و مالی بیشتری را در چهارچوب اقدامی مشترک برای پیشرفت بشر بسیج نمایند. کشورهایی که دارای سطح سواد پایین و منابع ملی محدود هستند، لازم است در تعیین هدفهای ملی در داخل یک چهارچوب زمانی منطبق با واقعیات، انتخابهای مشکلی بنمایند.

۸ - ممکن است کشورها بخواهند هدفهای خود را برای سالهای ۱۹۹۰ برحسب شرایط زیر تنظیم نمایند:

(الف) توسعه مراقبتهای دوران کودکی و فعالیتهای پرورشی، من جمله مداخله خانواده و جامعه به ویژه در مورد کودکان فقیر و معلول.

(ب) دسترسی همگانی به آموزش و پرورش پایه و تکمیل آن تا سال ۲۰۰۰.

(ج) بهبود پیشرفت یادگیری به طوریکه درصد قابل قبولی از گروه سنی مناسب (به عنوان مثال ۸۰٪ افراد ۱۴ ساله) به سطح آموزش تعیین شده نایل شوند و یا از آن فراتر روند.

(د) کاهش میزان بی سواد بزرگسالان (بایستی گروه سنی مناسب در هر کشور تعیین شود) تا سطح $\frac{1}{4}$ تا سال ۲۰۰۰ با تأکید کافی در مورد سواد آموزی زنان به منظور کاهش اختلاف چشمگیری که در حال حاضر، بین سطح سواد مردان و زنان موجود است.

(ه) گسترش امکانات تربیتی و آموزش پایه در سایر مهارتهای اصلی مورد نیاز جوانان و بزرگسالان.

(و) کسب معلومات، مهارتها و ارزش های مورد نیاز برای زندگی بهتر و پیشرفت صحیح و

مداوم افراد و خانواده‌ها و در دسترس قرار دادن کلیه کانالهای آموزشی در اختیار آنها از قبیل: رسانه‌های گروهی، دیگر وسایل ارتباطی سنتی و مدرن، خدمات اجتماعی، که کارآیی اینها بر حسب تغییرات رفتاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۹ - سطوح عملکرد در موارد فوق، در صورت امکان باید تعیین گردد و اینها باید با تاکید بر آموزش و پرورش پایه، هم در جهت همگانی کردن دسترسی به تحصیل و هم تحصیل دانش به عنوان دو امر پیوسته و جدایی ناپذیر، سازگار باشد. در کلیه موارد، اهداف باید تساوی جنسیت را در برداشته باشد. در هر حال تعیین سطوح عملکرد و نسبت شرکت کنندگانی که انتظار می‌رود در برنامه‌های آموزش و پرورش پایه به این سطوح دست یابند، باید وظیفه مستقل هر کشور باشد.

اصول کار

۱۰ - اولین مرحله، شناسایی نظامهای آموزشی موجود و تقاضای واقعی برای خدمات آموزشی پایه، چه به صورت تحصیلات رسمی و چه به صورت برنامه‌های آموزش غیررسمی می‌باشد. نیازهای یادگیری پایه عبارتند از: مراقبتهای زمان کودکی و فرصتهای پرورشی، تناسب و کیفیت آموزش ابتدایی یا آموزشهای معادل آن در خارج از مدرسه برای کودکان و سوادآموزی و آموزش پایه و کسب مهارتهای زندگی برای جوانان و بزرگسالان. این برنامه همچنین شامل بیان اهمیت استفاده از رسانه‌های اطلاعاتی سنتی و نوین و نیز تکنولوژی برای آموزش عموم است، که درباره موضوعات اجتماعی و پشتیبانی از فعالیتهای آموزش و پرورش پایه می‌باشد. بخش تکمیلی آموزش و پرورش پایه لازم است به گونه‌ای طرح‌ریزی گردد که دستیابی یکسان، مشارکت مستمر و پیشرفت موثر یادگیری را تضمین نماید. همچنین تسامین نیازهای یادگیری پایه شامل، اقداماتی برای محیط‌های خانوادگی و اجتماعی به منظور یادگیری و هماهنگ نمودن آموزش و پرورش پایه با بافت اقتصادی - اجتماعی وسیعتر، می‌باشد. در این راستا اثرات تکمیلی سرمایه‌گذاری منابع نیروی انسانی در مورد جمعیت، بهداشت و تغذیه باید تشخیص داده شود.

۱۱ - از آنجاییکه نیازهای یادگیری پایه، متنوع و پیچیده است، تأمین آنها، احتیاج به استراتژیها و اقدامات جامع دارد که متمم کوششهای کلی پیشرفت باشد. اگر قرار است که اینکار به عهده کل جامعه باشد، باید بسیاری از اعضا با مقامات مسئول، معلمان و سایر کارکنان آموزشی در برنامه توسعه آموزش پایه، تشریک مساعی داشته باشند. این کار مستلزم مشارکت فعال طیف وسیعی از دست‌اندرکاران از جمله خانواده‌ها، معلمان انجمنها، شرکتهای خصوصی، سازمانها و موسسات دولتی و غیردولتی در زمینه طرح‌ریزی، مدیریت و ارزیابی شکلهای

مختلف آموزش پایه می‌باشد.

۱۲ - روشهای جاری و تشکیلات رسمی برای اجرای آموزش پایه و مکانیسمهای موجود برای همکاری در این زمینه، باید قبل از ایجاد مؤسسات و مکانیسمهای جدید، به‌دقت مورد ارزیابی قرار گیرد. بازسازی مدارس ویران شده، بهبود شرایط آموزشی و کاری معلمان و سایر کارکنان، بر اساس روشهای یادگیری موجود، به نظر می‌رسد بازده بیشتر و سریعتری داشته باشد، تا اینکه کوشش شود این امور از نو آغاز شود.

۱۳ - در اقدامات مشترک با سازمانهای غیردولتی نیروی بالقوه بیشتری در کلیه سطوح وجود دارد. این ارگانهای مستقل در جاییکه از نظرات مستقل و انتقادی عموم حمایت می‌کنند، می‌توانند نقش عمده‌ای را در کنترل، تحقیق و تربیت و تهیه مطالب برای فرایندهای آموزش غیررسمی مادام‌العمر ایفا نمایند.

۱۴ - قصد اولیه از همکاریهای دوجانبه و چندجانبه باید در یک روح واقعی همکاری تجلی کند و از مدل‌های مشابه نباید استفاده کرد، بلکه باید به توسعه تواناییهای ملی و سازمانهای داخلی ذریبط کمک نمود تا بتوانند نیازهای یادگیری پایه را تأمین نمایند. اقدامات و منابع باید در جهت تقویت ویژگیهای ضروری خدمات آموزش پایه با تأکید بر ظرفیتهای تحلیلی و مدیریتی که محرک پیشرفت بیشتر باشد، به کار گرفته شود. همکاریها و سرمایه‌گذارهای بین‌المللی می‌تواند در حمایت از اصلاحات اصلی یا هماهنگی‌های محلی و کمک به ارزیابی روشهای نوین در زمینه تدریس و مدیریت بسیار مفید باشد و این موقعی خواهد بود که لازم باشد دیدگاههای جدید مورد آزمایش قرار گرفته، و دانش تجارب مربوطه در دیگر مناطق نیز بتواند مفید واقع شود.

۱۵ - همکاری بین‌المللی باید کشورهایی را در اولویت قرار دهد که در حال حاضر حداقل امکان را برای تأمین نیازهای یادگیری پایه مردم خود دارند. این همکاریها همچنین باید به کشورهایی که در حال حاضر سرگرم اصلاح مشکلات داخلی آموزش و پرورش خود هستند، کمک نماید. از آنجاییکه دوسوم افراد بزرگسال بی‌سواد و کودکان خارج از مدرسه، زنان و دختران هستند، تا زمانیکه این بی‌عدالتی‌ها وجود دارد، بایستی اولویت خیلی فوری جهت افزایش امکان دسترسی دختران و زنان به آموزش و پرورش و رفع هرگونه مانع در راه شرکت فعال آنان در این زمینه داده شود.

۱ - اولویت اقدامات در سطح ملی

۱۶ - پیشرفت در تأمین کلیه نیازهای یادگیری پایه نهایتاً بستگی به اقدامات انجام شده در داخل هر کشور دارد. در حالیکه همکاریها و کمکهای مالی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند از

چنین اقداماتی حمایت نموده و آنها را تسهیل نمایند، مقامات دولتی و انجمنها، عوامل کلیدی پیشرفت تلقی می‌شوند و دولتهای ملی، مسئولیت اصلی جهت هماهنگ کردن کاربرد مؤثر منابع داخلی و خارجی را بر عهده خواهند داشت. با توجه به گوناگونی موقعیتهای، تواناییها و طرحهای توسعه و هدفها در هر کشور، این چهارچوب می‌تواند تنها برخی زمینه‌های خاص را که شایان توجه هستند ارائه دهد. هر کشور برای خود، اقدامات ویژه‌ای را خارج از فعالیتهای جاری که ممکن است در هریک از موارد زیر ضروری باشد، در نظر خواهد گرفت.

۱ - ۱ - ارزیابی نیازها و طرح‌ریزی اقدامات

۱۷ - برای نیل به اهداف، هر کشور مصمم است طرح‌های اجرایی جامع و درازمدت خود را توسعه داده و با آنها را با شرایط روز منطبق سازد تا بتواند نیازهای یادگیری پسیاه را تأمین نماید. در بافت بخش آموزشی موجود و طرح‌ها و استراتژیهای عمومی توسعه، باید یک طرح اجرایی برای آموزش و پرورش پایه برای همگان الزاماً با همکاری چند بخش مختلف باشد تا فعالیتهای مربوطه (آموزش، اطلاعات، ارتباطات (رسانه‌ها)، کار کشاورزی، بهداشت) هدایت نماید. الگوهای برنامه‌ریزی استراتژیکی از نظر تعریف با یکدیگر متفاوت هستند، اما در هر حال اکثر آنها دائماً درگیر انطباق اهداف، منابع، جنبه‌های اجرایی و موانع می‌باشد. در سطح ملی معمولاً هدفها در قالب اصلاحات کلی تدوین می‌شود و منابع نیز توسط دولت مرکزی تعیین می‌گردد در حالی که اقدامات در سطح محلی صورت می‌گیرند. بنابراین طرح‌های محلی طبیعتاً نه تنها از نظر قلمرو بلکه در محتوی نیز متفاوت می‌باشند. چهارچوبهای ملی و غیرملی و طرح‌های محلی باید قابلیت تغییر در شرایط و موقعیتهای گوناگون را داشته باشند. بنابراین، موارد زیر را می‌توان ذکر کرد:

* - مطالعاتی برای ارزیابی نظامهای موجود (تجزیه و تحلیل مسائل، شکستها و موفقیتها).
* - تأمین نیازهای یادگیری پایه از قبیل: مهارتهای ذهنی، ارزشها، نگرشها و موضوعات علمی.

* - زبانهایی که باید در آموزش مورداستفاده قرار گیرد.

* - وسایلی که برای ارتقای تقاضا و مشارکت وسیع در آموزش پایه لازم است.

* - چگونگی بسیج کمکهای جامعه محلی و خانواده.

* - تعیین مقاصد و اهداف ویژه.

* - تدوین شاخصهایی به منظور استفاده برای کنترل پیشرفت در نیل به اهداف.

* - تعیین اولویتهایی برای استفاده از منابع و توسعه خدمات و برنامه‌های طولی‌المدت.

* - تشخیص انواع تخصصهای موردنیاز برای اجرای طرح.

* - تمهید مقدمات رسمی و اجرایی مورد نیاز.

* - اعمال روشهایی جهت حصول اطمینان از توزیع اطلاعات بین برنامه‌های آموزش و پرورش پایه.

* - تهیه جدول زمانی و استراتژی اجرایی.

۲ - ۱ تدوین سیاستی که مورد حمایت و مشارکت باشد.

۱۸ - یک طرح اجرایی چند بخشی، به معنای انطباق با سیاستهای محلی است. به طوری که همه بخشها در یک روش مطمئن و کمکی دوطرفه در راستای هدفهای توسعه همه‌جانبه کشور عمل نمایند. برنامه‌های اجرایی که در جهت تأمین نیازهای یادگیری پایه صورت می‌گیرد، باید جزء لاینفک سیاستهای توسعه ملی و محلی و نیز منعکس‌کننده اولویت داده شده به پرورش نیروی انسانی باشد. ممکن است قوانین و معیارهایی برای تسهیل بیشتر همکاری بین عوامل مختلف در این زمینه مورد نیاز باشد. آگاهی مردم و جانبداری آنها از آموزش و پرورش پایه و ایجاد یک جو حمایتی در سطوح ملی و محلی بسیار مهم می‌باشد.

۱۹ - چهار اقدام ویژه که شایان توجه هستند عبارتند از: (۱) آغاز فعالیتهای سطح ملی و غیرملی برای اقدامات وسیع و عمومی به منظور رسیدن به هدف آموزش و پرورش برای همه (۲) کاهش عدم کارایی در بخش عمومی و اقدامات انتفاعی در بخش خصوصی (۳) فراهم ساختن امکانات آموزش پیشرفته (عالی) برای مدیران و ایجاد انگیزه‌هایی برای نگاه داشتن مردان و زنان شایسته در خدمت عموم. (۴) اقداماتی برای تشویق هر چه بیشتر به مشارکت در طرح و اجرای برنامه‌های آموزش و پرورش پایه.

۳ - ۱ طرح سیاستهایی برای بهبود آموزش پایه.

۲۰ - پیش‌شرطهای کیفی، برابری و کارآیی آموزشی، که در سالهای اولیه کودکی تثبیت می‌شود، به مراقبتهای اولیه دوران کودکی، و پرورشی که برای نیل به اهداف اصلی آموزش و پرورش ضروری هستند توجه خاص دارند. آموزش و پرورش پایه باید با نیازها، علائق و مشکلات واقعی فراگیران منطبق باشد. ارتباط برنامه‌های درسی را می‌توان از طریق مرتبط ساختن سواد و مهارتهای متعدد و مفاهیم علمی با علائق و تجارب پیشین فراگیران، برای مثال در زمینه‌های تغذیه، بهداشت و کار، گسترش داد. در حالیکه بسیاری از نیازها به‌طور قابل ملاحظه‌ای در کشورهای مختلف متفاوت هستند و بایستی قسمت عمده برنامه درسی، طبق شرایط محلی تنظیم گردد، باز هم نیازهای همگانی و علائق مشترک بسیاری وجود دارد که باید در برنامه‌های درسی و پیام‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، مسایلی از قبیل:

حفاظت محیط زیست، جمعیت، ایجاد توازن بین جمعیت و منابع، ممنوعیت استعمال مواد مخدر مورد توجه همه کشورها می باشد.

۲۱ - استراتژیهای ویژه مورد نظر برای بهبود وضعیت و شرایط تحصیل، ممکن است بر مواردی چون فراگیران و فرایند یادگیری، پرسنل (معلمان، مدیران و سایرین)، برنامه های درسی و ارزیابی یادگیری، مطالب و امکانات فیزیکی متمرکز گردد. این نوع استراتژیها باید طبق یک روش کامل هدایت شوند و طرح، مدیریت و ارزیابی آنها باید در تحصیل دانش و مهارتهای حل مسأله و نیز در بُعدهای اجتماعی، فرهنگی و قومی پیشرفت بشر منظور گردد که بر اساس نتایج مورد انتظار، معلمان باید هماهنگ با آن آموزش ببینند. همگام با استفاده از برنامه های آموزش ضمن خدمت و سایر امکاناتی که حصول این نتایج را تشویق می نماید، برنامه های درسی و ارزیابی باید معیارهای متعددی را نمایش دهد. در عین حال، مواد درسی، فضاهای آموزشی و تسهیلات نیز باید همگام با همان جهات هماهنگ گردند. در برخی از کشورها، استراتژی ممکن است شامل روشهایی به منظور بهبود شرایط تدریس و یادگیری باشد. به طوریکه میزان غیبت کاهش و زمان یادگیری افزایش یابد. به منظور تأمین نیازهای آموزشی گروههایی که تحت پوشش آموزش و پرورش رسمی قرار ندارند، استراتژیهای مناسبی برای آموزش غیررسمی مورد نیاز است. این موارد خارج از جنبه های مذکور نیست. اما ممکن است توجه ویژه ای به هماهنگی با سایر انواع آموزش تکمیلی دست اندرکاران و حفظ منابع مالی و مشارکت کامل جامعه، مبذول گردد.

نمونه ای از چنین روش بکار گرفته شده در رابطه با سوادآموزی را می توان در طرح اجرایی یونسکو برای ریشه کن کردن بی سوادی (۹۹ - ۱۹۹۰) تا سال ۲۰۰۰ یسافت. سایر استراتژیها هنوز ممکن است برای رفع نیازهای آموزشی کل جامعه به رسانه های گروهی متکی باشد. این استراتژیها لزوماً باید با آموزش رسمی، غیررسمی و یا ترکیبی از ایندو مرتبط گردد. استفاده از رسانه های ارتباطی برای آموزش عمومی و دادن اطلاعات مهم به دستگاههایی که نیاز دارند، نیروی عظیمی را می طلبد.

۲۲ - روش مؤثر برای تحقق تساوی اجتماعی، گسترش امکان دسترسی به آموزش و پرورش پایه با کیفیتی رضایتبخش می باشد. حصول اطمینان از اینکه دختران و زنان در فعالیتهای اصلی آموزشی سهم بوده و حداقل سطح یادگیری لازم و قابل قبول را کسب کرده اند، می تواند از طریق معیارهای ویژه تشویق گردد. اعمال روشهای مشابه برای بسط فرصتهای یادگیری برای گروههای متعدد محروم، ضروری است.

۲۳ - کارآیی در آموزش و پرورش پایه به مفهوم تأمین آموزشی با حداقل هزینه نیست، بلکه استفاده مؤثر از کلیه منابع (انسانی، سازمانی و مالی) برای رسیدن به سطوح مطلوب

دسترسی و موفقیت لازم در یادگیری می‌باشد. نکته‌نظرهای قبلی در مورد تناسب، کیفیت و تساوی، مغایرتی با کارایی ندارد، بلکه شرایط ویژه‌ای را که کارایی در آن باید حاصل شود، ارائه می‌دهد. در مورد بعضی از برنامه‌ها، کارایی به منابع بیشتری نیاز خواهد داشت. در حال اگر منابع موجود، مورد استفاده دانش‌آموزان بیشتری قرار بگیرد و یا اگر همان هدفهای یادگیری با هزینه کمتری محقق گردند، در آن صورت ظرفیت آموزش و پرورش پایه برای تأمین هدفهای دسترسی و پیشرفت گروههای تحت پوشش فعلی می‌تواند افزایش یابد.

۴ - ۱ بهبود قابلیت‌های مدیریتی، تحلیلی و تکنولوژیک

۲۴ - برای انجام این ابتکارات به انواع متعددی تخصص نیاز خواهد بود. پرسنل اداری، بازرسان، همچنین طراحان، معماران مدارس، مربیان، معلمان، برنامه‌ریزان درسی، محققان، تحلیل‌گران و غیره عوامل مهمی برای استراتژی‌های مربوط به بهبود آموزش و پرورش پایه می‌باشند، اما بسیاری از کشورها، آموزش‌های تخصصی برای تربیت آنها جهت انجام بهتر مسئولیت‌هایشان را ارائه نمی‌دهند. این امر به‌ویژه در مورد سوادآموزی و سایر فعالیتهای آموزشی خارج از مدرسه صدق می‌کند. یک دید وسیع، به آموزش و پرورش پایه، لازمه هماهنگی مؤثر کوششها میان عواملی که در این زمینه مشارکت دارند، می‌باشد و در بسیاری از کشورها، تقویت و توسعه تواناییها برای برنامه‌ریزی و مدیریت در سطوح محلی و منطقه‌ای همراه با توزیع بیشتر مسئولیتها ضروری خواهد بود. برنامه‌های آموزش قبل و ضمن خدمت باید برای پرسنل اصلی برگزار شود و یا در صورتیکه این برنامه‌ها وجود داشته باشد، باید در تقویت آن کوشش نمود. این نوع آموزش در انجام اصلاحات اجرایی و مدیریت نوین و روشهای نظارتی می‌تواند مفید واقع شود.

۲۵ - خدمات فنی و مکانیزمهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به آموزش پایه می‌تواند در کلیه کشورها گسترش یابد. اینکار در بسیاری از کشورهاییکه اطلاعات قابل اتکاء یا تحقیقات ناچیزی در مورد نیازهای اساسی یادگیری مردم و فعالیتهای آموزش و پرورش پایه موجود در کشور دارند، امری است ضروری. اطلاعات و دانش یک کشور در تهیه و پیاده کردن یک طرح اجرایی، امری حیاتی است. یک مفهوم کلی از تمرکز بر یادگیری اینست که، نظامها باید برای ارزیابی عملکرد افراد فراگیر، بهبود و گسترش یابند. گردآوری و نتیجه ارزیابی داده‌ها باید به عنوان هسته یک نظام مدیریت اطلاعات برای آموزش پایه عمل کند.

۲۶ - کیفیت و عملکرد آموزش و پرورش پایه می‌تواند از طریق استفاده منطقی از تکنولوژی‌های آموزشی، افزایش یابد. در نقاطی که این نوع تکنولوژیها کاربرد وسیعی ندارند، در آغاز به انتخاب و توسعه تکنولوژی مناسب، تهیه تجهیزات و سیستمهای اجرایی و استخدام

یا تربیت معلمان و سایر پرسنل آموزشی برای همکاری نیاز می‌باشد. تعریف یک تکنولوژی مناسب، بسته به خصوصیات اجتماعی متفاوت بوده و در طی زمان همان‌گونه که تکنولوژی‌های جدید (رادیو، تلویزیون آموزشی، کامپیوتر و سایر وسایل آموزشی سمعی و بصری) از نظر قیمت کاهش می‌یابند و با شرایط محیط، بیشتر سازگار می‌گردند، به سرعت تغییر خواهد یافت. استفاده از تکنولوژی نوین همچنین می‌تواند مدیریت آموزش و پرورش پایه را بهبود بخشد. هر کشور ممکن است به طور ادواری، ظرفیت و پتانسیل تکنولوژیک فعلی خود را در رابطه با نیازهای یادگیری و منابع آموزشی، مورد بررسی مجدد قرار دهد.

۵ - ۱ تجهیز کانالهای اطلاعاتی و ارتباطی

۲۷ - اکنون امکانات جدیدی در حال پدید آمدن هستند که به نظر می‌رسد از قبل تأثیر قوی در تأمین نیازهای یادگیری پایه داشته باشند و روشن است که ظرفیت آموزشی این امکانات جدید، هنوز مورد بهره‌برداری کامل قرار نگرفته است. امکانات فوق‌عمدتاً ناشی از دو نیروی، متقارن است که هر دو نتیجه فرعی اخیر فرآیند توسعه عمومی می‌باشد. اول، کمیت اطلاعات موجود در دنیا که وسیعتر از اطلاعاتی است که در چندسال پیش در دسترس قرار داشت و میزان رشد آن سریعاً در حال افزایش است. هنگامیکه اطلاعات مهم متفقاً با پیشرفت نوین دوم یعنی افزایش ظرفیت ارتباطی جدید بین ملل در جهان همراه شود، تأثیر مضاعفی بر جای خواهد گذاشت. فرصت کنترل این نیرو و استفاده مثبت و آگاهانه از آن به منظور کمک به تأمین نیازهای یادگیری وجود دارد.

۶ - ۱ ایجاد همکاری و تجهیز منابع

۲۸ - در طرح ریزی امور اجرایی ایجاد یک جو سیاسی تشویقی جهت ارتقا سطح آموزش و پرورش پایه، ضروری است تا همکاریهای موجود گسترش یابد و دست اندرکاران جدیدی از قبیل خانواده، سازمانهای اجتماعی، انجمنهای غیر دولتی، اتحادیه‌های معلمان، سایر گروههای حرفه‌ای، کار فرمایان، رسانه‌های گروهی، احزاب سیاسی، تعاونی‌ها، دانشگاهها، موسسات تحقیقاتی، ارگانهای مذهبی، همچنین مسئولان آموزش و پرورش در سایر دواير دولتی و خدماتی به مشارکت تشویق گردند. و منابع انسانی و تشکیلاتی این موسسات ذی ربط داخلی جهت ایفای نقش خود در انجام دادن این طرح اجرایی باید به‌طور موثری بسیج شوند. همکاریها در سطح جامعه و در سطوح ملی باید تشویق گردد. آنها می‌توانند به هماهنگ ساختن فعالیتها کمک نموده، از منابع، به نحو موثرتری استفاده کنند و در صورت لزوم منابع مالی و انسانی بیشتری را بسیج نمایند.

۲۹ - دولتها و سایر دست اندرکاران آنها می توانند سهمیه های جاری را تجزیه و تحلیل کنند و از منابع مالی و سایر منابع، برای آموزش و تربیت در بخشهای مختلف استفاده نمایند، تا حمایت بیشتر از آموزش و پرورش پایه، میسر گردد. این حمایتها در موارد زیر می تواند صورت پذیرد:

الف - بهبود کارایی.

ب - تجهیز منابع اضافی در داخل و خارج از بودجه دولت.

ج - تخصیص وجوهی از سهم بودجه موجود برای آموزش و پرورش. کشورهاییکه کمک مالی سالانه آموزش و پرورش آنها در سطحی پایین قرار دارد، لازم است در جستجوی امکان تخصیص مجدد مقداری از بودجه های عمومی که برای مقاصد دیگری در نظر گرفته شده است، برای آموزش پرورش پایه باشند.

۳۰ - ارزیابی منابع واقعی یا بالقوه موجود برای آموزش و پرورش پایه و مقایسه آنها با بودجه برآورد شده مربوط به طرح اجرایی می تواند به تشخیص کمبودهای منابعی که ممکن است بر جدول زمانی فعالیتهای طرح شده اثر بگذارد، کمک کند. کشورهاییکه نیاز به کمکهای خارجی جهت تامین نیازهای یادگیری برای مردم خود دارند، می توانند از ارزیابی منابع و طرح اجرایی، به عنوان مبنای بحث و گفتگو با همکاران بین المللی و هماهنگ کردن بودجه خارجی استفاده نمایند.

۳۱ - افراد فراگیر، خود یک منبع انسانی حیاتی هستند که لازم است بسیج شوند. تقاضا برای فرصتهای یادگیری و شرکت در امر یادگیری را نمی توان به آسانی پذیرفت. بلکه باید فعالان آنها را مورد تشویق قرار داد. فراگیران بالقوه لازم است، توجه کنند که منافع فعالیتهای آموزش و پرورش پایه، بیشتر از هزینه هایی است که شرکت کنندگان در ازای بهره مند شدن از آموزش و پرورش پایه باید متحمل شوند. مانند کاهش وقت برای فعالیتهای اجتماعی، خانگی و اوقات فراغت زنان و دختران که ممکن است بدلیل خاص فرهنگی از استفاده کامل مزایای تحصیل آموزش و پرورش پایه محروم باشند. چنین موانعی را می توان از طریق تشویق و ایجاد انگیزه و برنامه های منطبق با شرایط محلی و دیدار با خانواده آنها و جوامع محلی به عنوان «فعالتهای پربار» از سر راه برداشت. همچنین وقتی فراگیران در فرایند آموزشی سهیم باشند، تمایل بیشتری به استفاده از آموزش و پرورش پیدا می کنند تا اینکه صرفاً منفعل باشند. توجه به مسائل تقاضا و مشارکت، به تضمین اینکه تواناییهای شخصی فراگیران برای کسب علم مورد استفاده قرار گیرد کمک خواهد نمود.

۳۲ - نقش ممتاز معلمان و سایر پرسنل آموزشی باید در تامین کیفیت آموزش و پرورش پایه شناخته شده و گسترش یابد تا کمک آنها به حد مطلوب برسد. اینکار سزاوار است متضمن معیارهایی برای جهت احترام به حقوق جامعه معلمان و آزادیهای حرفه ای باشد و شرایط و

موقعیت کاری آنها را بویژه از لحاظ استخدام، آموزش اولیه و ضمن خدمت و امکانات پیشرفت اجتماعی، بهبود بخشد. همچنین بایستی به معلمان امکان داده شود تا به خواسته‌های خود، تعهدات اجتماعی و مسئولیت‌های اخلاقی، جامعه عمل پیوشانند.

۳۴ - در همکاری با مدرسه و کارکنان جامعه، کتابخانه‌ها باید به عنوان یک رابطه اساسی در مورد تهیه منابع آموزشی برای کلیه فراگیران، در محیط مدرسه و خارج آن عمل نمایند. بنابراین لازم است کتابخانه‌ها را به عنوان منابع اطلاعاتی گرانمایی تلقی نمود.

۳۵ - گردهماییهای اجتماعی، تعاونی‌ها، ارگانهای مذهبی و سایر سازمانهای غیر دولتی نیز نقشهای مهمی در پشتیبانی و تامین امکانات آموزش و پرورش پایه ایفا می نمایند. تخصص، تجربه، توان و ارتباط مستقیم با مشکلات متعدد، منابع با ارزشی برای شناسایی و تأمین نیازهای یادگیری محسوب می شود. دخالت فعال آنها در همکاری برای آموزش و پرورش پایه باید از طریق سیاستها و مکانیزمهایی که باعث تقویت توانایی آنها می شود، و استقلال آنها را به رسمیت بشناسد، گسترش یابد.

ب - اولویت اقدامات در سطح منطقه‌ای

۳۶ - نیازهای یادگیری پایه بایستی از طریق اقدامات مشترک در داخل هر کشور تأمین گردد. اما اشکال گوناگون همکاری در بین کشورها با شرایط و علائق مشابه وجود دارد که می تواند در این زمینه کمک شایانی بنماید. مناطق قبلاً طرحهایی را در این زمینه ارائه داده اند که به عنوان نمونه می توان از طرح اجرایی «جاکارتا» در مورد منابع انسانی در سال ۱۹۸۸ یاد کرد. کشورهای مختلف از طریق مبادله اطلاعات و تجارب، سرمایه گذاری مشترک در تخصصها، سهمین شدن در تسهیلات یکدیگر و انجام فعالیتهای مشترک، می توانند منابع خود را با هزینه کمتر و منافع مشترک افزایش دهند. این نوع همکاریها بیشتر در مورد کشورهای همسایه و کشورهاییکه در یک ناحیه فرهنگی مشابه قرار دارند و یا کشورهای هم زبان و دارای روابط فرهنگی و بازرگانی صدق می کند. سازمانهای منطقه‌ای و بین المللی اغلب نقش مهمی را در ایجاد امکانات برای این نوع همکاریها بین کشورها بازی می کنند. در مبحث بعدی اصطلاح «منطقه‌ای» چنین همکاریهایی را در برمی گیرد. بطور کلی لازم است که همکاریهای منطقه‌ای موجود تقویت شود و به منابع لازم برای فعالیتهای مؤثر برای کمک به کشورها به منظور تأمین نیازهای یادگیری پایه مجهز شوند.

۱ - ب - مبادله اطلاعات، تجارب و تخصصها

۳۷ - مکانیزمهای مختلف منطقه‌ای در هر دو جنبه دولتی و غیر دولتی، همکاری لازم در

مورد آموزش و پرورش، بهداشت، توسعه کشاورزی، تحقیق و اطلاعات، ارتباط و سایر زمینه‌های مربوط به تأمین نیازهای یادگیری پایه را گسترش می‌دهد. در بین نمونه‌های متعدد، چهار برنامه منطقه‌ای یونسکو در سالهای ۱۹۸۰ وجود دارد تا از کوششهای ملی در جهت دستیابی به آموزش همگانی ابتدایی و ریشه کنی بی‌سوادی در سطح جهانی پشتیبانی نمایند. این برنامه‌ها عبارت است از:

- * — طرح اصلی در زمینه آموزش و پرورش در امریکای لاتین و کشورهای کارائیب.
- * — برنامه منطقه‌ای به منظور ریشه کن کردن بی‌سوادی در آفریقا
- * — برنامه آسیا و اقیانوسیه در مورد آموزش و پرورش برای همه
- * — برنامه منطقه‌ای برای همگانی کردن و نوسازی آموزش ابتدایی و ریشه کن کردن بی‌سوادی در کشورهای عربی تا سال ۲۰۰۰.

۳۸ — علاوه بر مشاوره‌های فنی و سیاسی که در ارتباط با این برنامه‌ها ترتیب داده شد، از سایر مکانیزمهای موجود نیز می‌توان برای مشاوره و مسائل سیاست‌گذاری در آموزش پایه استفاده کرد. کنفرانس وزیران آموزش و پرورش که از جانب یونسکو و چندین سازمان منطقه‌ای تشکیل گردید، همچنین جلسات عادی و کمیسیونهای منطقه‌ای سازمان ملل و کنفرانس‌های منطقه‌ای ترتیب یافته به وسیله: دبیرخانه سازمان کشورهای مشترک المنافع، سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگ اسلامی، که در صورت نیاز می‌تواند در این رابطه مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه کنفرانس‌ها و گردهماییهای متعدد ترتیب یافته از طرف ارگانهای غیر دولتی. فرصتهای مناسبی برای تبادل اطلاعات و نظریات درباره مسائل فنی و سیاسی برای دست اندر کاران فراهم می‌سازد. گردانندگان این کنفرانس‌ها و گردهمایی‌ها ممکن است طرق بسط مشارکت را مطرح نظر قرار دهند تا نمایندگان دیگر نهادهای دخیل در تأمین نیازهای یادگیری پایه را نیز سهیم گردانند.

۳۹ — از فرصتها به منظور استفاده مشترک از پیامها یا برنامه‌های گروهی که می‌تواند بین کشورها میادله گردد و یا به طور مشترک تهیه گردند بخصوص در جاهاییکه تشابهات زبانی و فرهنگی فراتر از مرزهای سیاسی هستند باید، نهایت استفاده به عمل آید.

۲ — ب — انجام فعالیتهای مشترک

۴۰ — امکان فعالیتهای مشترک میان کشورها در گرو حمایت از کوششهای ملی برای عملی کردن طرحهای اجرایی آموزش پایه است. فعالیتهای مشترک باید به نحوی طرح شوند تا اقتصاد و وسایل پیشرفت و مزایای نسبی کشورهای مشارکت کننده را مورد بهره برداری قرار دهند. شش زمینه‌ای که این نوع همکاریهای منطقه‌ای در آن مناسبتر به نظر می‌رسند عبارت

است از: (۱) تربیت پرسنل اصلی مانند: طراحان، مدیران، معلمان آموزشی، محققان و غیره (۲) کوشش برای بهبود نحوه جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات (۳) تحقیق، (۴) تولید مواد آموزشی (۵) استفاده از رسانه‌های ارتباطی به منظور تأمین نیازهای یادگیری پایه (۶) مدیریت و کاربرد خدمات آموزش از راه دور.

در اینجا نیز مکانیزم‌های متعددی وجود دارد، که می‌توان برای استفاده و ترویج این نوع فعالیتها استفاده نمود. از جمله موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی یونسکو و شبکه‌های آموزشی و تحقیقی آن، همچنین شبکه اطلاعاتی دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت و موسسه آموزش و پرورش یونسکو در هامبورگ، شبکه‌های پنجگانه نوآوریهای آموزشی تحت نظر یونسکو، گروه‌های مشورتی و تحقیقاتی وابسته به مرکز توسعه تحقیقات بین‌المللی، مرکز فرهنگی یونسکو برای آسیا، مجمع بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت آموزشی که موسسات تحقیقات ملی ۳۵ کشور را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. برخی از نمایندگیهای توسعه چند جانبه و دوجانبه که تجارب ارزشمندی در یکی از این زمینه‌ها کسب کرده‌اند، ممکن است علاقه‌مند به شرکت در فعالیتهای مشترک باشند. کمیسیونهای پنج‌گانه منطقه‌ای سازمان ملل می‌تواند کمک بیشتری به این همکاریهای منطقه‌ای به ویژه از طریق وادار کردن سیاست‌گذاران به اقدامی مناسب نماید.

ج - اولویت اقدامات در سطح جهانی

۴۱ - جامعه جهانی دارای سابقه درخشانی از همکاری در زمینه آموزش و توسعه می‌باشد. اما زمانی که سرمایه‌گذاری بین‌المللی در زمینه آموزش و پرورش در اوایل دهه ۱۹۸۰ به حال رکود درآمد، در همان ایام، بسیاری از کشورها بر اثر بالا رفتن فشار بدهی‌ها و مشکلات اقتصادی که منابع مالی و انسانی آنها را به کشورهای ثروتمند سوق می‌داد، دچار عقب‌ماندگی شدند. از آنجاییکه علاقه به مسائل آموزش پایه در کشورهای در حال رشد و صنعتی دارای وجه تشابه مشترکی است، همکاری بین‌المللی می‌تواند پشتیبانی ارزشمندی را برای کوششهای ملی و اقدامات منطقه‌ای در اجرای آموزش پایه برای همه در معنای وسیعی ارائه دهد. زمان، انرژی و سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و پرورش شاید سنگین‌ترین سرمایه‌گذاری باشد که می‌توان برای مردم و آینده یک کشور انجام داد. ضرورتی آشکار، همچون اصل اخلاقی و دلیل اقتصادی قوی برای ارائه همکاریهای فنی و کمکهای مالی به منظور تأمین نیازهای یادگیری پایه به کشورهاییکه فاقد منابع لازم برای این امر هستند، وجود دارد.

۱ - ج همکاری در زمینه بین‌المللی

۴۲ - تأمین نیازهای یادگیری، مسئولیتی انسانی، مشترک و همگانی می‌باشد، و موفقیت

در این کار تا حدودی به وسیله نیروی فعال روابط بین‌المللی و تجارت تعیین می‌گردد. اخیراً، با فروکش کردن ناآرامیها و کاهش درگیریهای نظامی، امکانی واقعی برای کاهش اتلاف شدید هزینه‌های نظامی و هدایت آن منابع به زمینه‌های مفید اجتماعی از جمله آموزش پایه وجود دارد. ضرورت تامین نیازهای یادگیری پایه ممکن است نیاز به تخصیص مجدد بودجه بین بخشها را ایجاب نماید، و لازم باشد جامعه جهانی و هر یک از دولتها طرح تغییر منابع در جهت کار برد صلح آمیز را با شهامت و بصیرت و به روشی منطقی و دقیق اجرا نمایند. همین طور باید اقداماتی بین‌المللی برای کاهش یا برطرف کردن ناهماهنگی‌های موجود در روابط تجاری و کاهش فشار بدهی‌ها به عمل آید تا کشورهای کم درآمد بتوانند اقتصاد خود را بازسازی کنند، و منابع انسانی و مالی مورد نیاز برای توسعه و تامین آموزش پایه را حفظ نمایند. سیاستهای تعدیل ساختاری باید از سطوح مناسب سرمایه‌گذاری برای آموزش و پرورش پشتیبانی نماید.

۲ - ج - گسترش تواناییهای ملی

بایستی از کشورهاییکه که در صدد توسعه ظرفیتهای ملی مورد نیاز به منظور برنامه‌ریزی و اداره برنامه‌ها و خدمات آموزش پایه هستند، حمایت شود. مسئولیت نهایی طرح‌ریزی و اداره برنامه‌ها برای تامین نیازهای یادگیری هر کشور به عهده خود ملت می‌باشد. پشتیبانی بین‌المللی می‌تواند پیشرفت آموزشی و تربیتی در جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تحقیق، نوآوری در تکنولوژی و روشهای تدریس را در برگیرد. می‌توان نظامهای مدیریت اطلاعات و سایر روشهای مدیریت نوین را نیز با تاکید بر وجود مدیران سطح پایین و متوسط، مرسوم نمود. این تواناییها برای حمایت از بهبود کیفی آموزش ابتدائی و معرفی برنامه‌های ابتکاری خارج از مدرسه بیشتر مورد نیاز خواهد بود. علاوه بر حمایت مستقیم از کشورها و موسسات، کمکهای بین‌المللی را نیز می‌توان به طور مفیدی به قسمت حمایت از فعالیتهای بین‌المللی، ناحیه‌ای و سایر ساختارهای داخلی کشورها که تحقیقات مشترک و مبادلات اطلاعات تربیتی را سازمان می‌دهند، سوق داد. مورد اخیر بایستی متکی بر موسسات و برنامه‌های موجود باشد تا اینکه بر سازمانهای جدید التاسیس. به ویژه پشتیبانی در مورد همکاریهای فنی بین کشورهای در حال توسعه که هم از نظر موقعیت و شرایط و هم از لحاظ منابع در وضعی مشابه قرار دارند، بسیار با ارزش می‌باشد.

۳ - ج - پشتیبانی ثابت و دراز مدت از اقدامات ملی و منطقه‌ای

۴۴ - تامین نیازهای یادگیری برای کلیه افراد در تمام کشورها مسلماً اقدامی است که به زمانی طولانی نیاز دارد. این چهارچوب رهنمودهایی را جهت تهیه طرح‌های اجرایی ملی و غیر

ملی، برای پیشرفت آموزش پایه از طریق یک اقدام دراز مدت از طرف دول و شرکای ملی آنها برای همکاری با یکدیگر در رسیدن به نقطه نظرها و نیل به اهداف خود ارائه می‌دهد. نمایندگیا و مؤسسات بین‌المللی که بسیاری از آنان را مدیران، معاونان و همکاران کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه تشکیل می‌دهند، باید فعالانه در صدد طرح و ادامهٔ حمایت دراز مدت برای انواع اقدامات ملی و منطقه‌ای که در بخشهای قبل به آنها اشاره شد، باشند. مسئولان اصلی آموزش برای همه (سازمان ملل، یونسکو، یونیسف، بانک جهانی) اقدامات خود را در پشتیبانی از زمینه‌های مهم برای اقدامات بین‌المللی ارائه شده در سطرهای آتی و ترتیبات مقتضی برای تأمین اهداف آموزش و پرورش برای همه، طبق مسئولیتهای ویژه و تصمیمات حاکم بر آن مورد تأیید قرار می‌دهند. با توجه به اینکه یونسکو نماینده سازمان ملل، مسئولیتی ویژه در زمینه آموزش و پرورش را داراست اولویت را به انجام دادن چهار چوبی اجرایی و تسهیل ارائه خدمات مورد نیاز برای هماهنگی‌ها و همکاری‌های بین‌المللی خواهد داد.

۴۵ - افزایش سرمایه بین‌المللی برای کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته ضروری است تا طرح‌های اجرایی مستقل خود را هماهنگ کرده و با دیدی وسیع از «آموزش و پرورش» برای همه به اجرا در آورند. به‌رحال مشارکتهای واقعی بیشتری که مشخصهٔ آنها اقدامات مشترک درازمدت و همکاری است، صورت خواهد پذیرفت و زمینه‌ای برای افزایش واقعی سرمایه‌گذاری همه جانبه را در مورد این بخش فرعی ولی مهم آموزش و پرورش فراهم خواهد ساخت. بنا به درخواست دولت، نمایندگیهای دوجانبه و چند جانبه در زمینه حمایت از اقداماتی که در اولویت قرار دارند، به‌ویژه در سطح کشور باید در موارد زیر تأکید نمایند:

الف) طرح یا نوسازی طرح‌های اجرایی ملی و غیر ملی که لازم است در اوایل سالهای ۱۹۹۰ تکمیل شوند. کشورهای در حال توسعه هم به کمکهای مالی و هم فنی نیاز دارند، به‌ویژه در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین ترتیب دادن جلسات مشاوره.

ب) کوششهای ملی و همکاریهای مربوط در داخل کشور برای رسیدن به سطح رضایت‌بخشی از کیفیت و تناسب در آموزش ابتدایی. تجارب حاصل شده از شرکت خانواده‌ها، انجمنهای محلی و سازمانهای غیردولتی در بالا بردن تناسب و بهبود کیفی آموزش را، می‌توان میان کشورها تقسیم کرد.

ج) ارائه آموزش ابتدائی همگانی در کشورهاییکه از نظر اقتصادی فقیرتر هستند. نمایندگیهای سرمایه‌گذار بین‌المللی باید ترتیبات لازم جهت پشتیبانی مستمر را در نظر بگیرند تا به کشورهاییکه در جهت آموزش ابتدائی همگانی گام برمی‌دارند، طبق یک جدول زمانی کمکهای لازم را بنمایند. نمایندگیهای خارجی باید روش‌های کمکی موجود را مورد بررسی قرار دهند تا راههایی بیابند که به‌نحو موثری به برنامه‌های آموزش پایه که نیاز به سرمایه و

تکنولوژی و کمک شدید نداشته باشد بلکه اغلب نیازمند پشتیبانی مالی درازمدت‌تر هستند کمک نمایند. در این زمینه بایستی به معیارهای توسعه همکاری در امر آموزش که دربرگیرنده عواملی بیش از ملاحظات اقتصادی باشد، توجه بیشتری بشود.

د) برنامه‌های طرح شده برای تامین نیازهای یادگیری پایه برای گروههای محروم، نوجوانان خارج از مدرسه، بزرگسالانی که به تحصیل دسترسی ندارند. کلیه شرکاء می‌توانند با تجارب و تخصص خود در طرح‌ریزی و اجرای معیارها و فعالیتهای نوین مشارکت نموده و سرمایه‌گذاری خود را بر روی گروهها و طبقات ویژه (مثلاً زنان روستائیان بی‌بضاعت، معلولان) متمرکز سازند تا به نحو موثری موقعیتهای و شرایط یادگیری موجود را بهبود بخشند.

ه) برنامه‌های آموزش برای زنان و دختران: این برنامه‌ها باید به گونه‌ای طرح شود، تا موانع اجتماعی و فرهنگی که زنان و دختران را از مزایای برنامه‌های منظم آموزشی محروم ساخته است، برطرف نماید و نیز امکان برخورداری از امکانات مساوی را در کلیه جنبه‌های زندگی برای آنها فراهم سازد.

و) برنامه‌های آموزشی برای پناهندگان: برنامه‌هایی که به وسیله سازمانهایی چون کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل و نمایندگی رفاه و کار سازمان ملل برای فلسطینیان اجرا می‌شود، نیاز بیشتری به پشتیبانی مالی ثابت و معتبر درازمدت جهت این مسئولیت خطیر بین المللی دارند. کشورهایی که پذیرای پناهندگان هستند برای تأمین نیازهای اولیه پناهندگان از جمله نیازهای یادگیری، نیاز به کمکهای مالی و فنی بین المللی دارند و جامعه بین المللی می‌تواند با افزایش میزان همکاری خود به کشورهای فوق کمک نماید. جامعه جهانی همچنین کوشش خواهد نمود تا تضمین نماید مردمی که کشورشان به اشغال درآمده و یا از کشور خود دور افتاده‌اند، به آموزش پایه‌ای که شایسته هویت فرهنگی آنهاست، دسترسی داشته باشند.

ز) اجرای انواع برنامه‌های آموزشی پایه در کشورهایی که، نرخ بی‌سوادی بالا (کشورهای واقع در صحرای آفریقا) و جمعیت بی‌سواد زیاد (مانند جنوب آسیا) است، همچنین کمکهای اصولی به منظور کاهش چشمگیر تعداد بی‌سوادان بزرگسال در دنیا ضروری خواهد بود.

ح) ایجاد قابلیت برای تحقیق و برنامه‌ریزی و آزمایش نوآوریها در مقیاسی کوچک. موفقیت اقدامات مربوط به آموزش و پرورش برای همه، نهایتاً به وسیله قابلیت هر کشور در طرح و اجرای برنامه‌هایی که نمایانگر شرایط ملی آن باشد، تعیین می‌گردد. در این زمینه، داشتن یک زیربنای دانش قوی که، وسیله یافته‌های تحقیقات و دروس تجربی و نوآوریها و همچنین طراحان آموزشی ذیصلاح تغذیه شود، ضروری خواهد بود.

۴۶ - هماهنگی سرمایه‌گذاریهای خارجی برای آموزش و پرورش، عرصه‌ای است که کشورها در آن مسئولیتی مشترک دارند و دول میزبان لازم است به منظور تضمین استفاده کامل

از منابع، بنا به اولویت‌هایشان رهبری را به‌عهده بگیرند.

باید آژانس‌های دست‌اندرکار مسائل توسعه سرمایه‌گذاری، نوآورها و روش‌های قابل انعطاف‌پذیرتری را برای همکاری در ابتکارات محلی جستجو نمایند.

لازم است زمینه‌های دیگری نیز ایجاد شود تا در آنها نمایندگی‌های سرمایه‌گذار و کشورهای در حال توسعه بتوانند در طرح پروژه‌های داخلی همکاری داشته باشند و مسائل کلی مربوط به کمک‌های مالی را مورد بحث قرار دهند.

(ط) مشاوره در مورد ارائه خط مشی

۴۷ - باید کانالها و زمینه‌های ایجاد شده در سالهای دهه ۱۹۹۰ برای مشاوره فی‌مابین بسیاری از اعضای درگیر به‌منظور تامین نیازهای یادگیری پایه مورد استفاده کامل قرار بگیرد، تا اتفاق نظر بین المللی در زمینه این چهارچوب اجرایی را حفظ کرده و بسط دهد. برخی از کانالها و محلها مانند: کنفرانس بین المللی آموزش هر شش ماه در سطح جهانی برگزار می‌شود، در حالی که سایر کنفرانس‌ها مخصوص مناطق ویژه یا گروهی از کشور می‌باشد. تا آنجا که ممکن است سازمان دهندگان باید در هماهنگ کردن این جلسات مشورتی کوشش کنند و از نتایج آنها بطور مشترک استفاده نمایند.

۴۸ - علاوه بر آن، به‌منظور حفظ و گسترش اقدامات آموزش و پرورش برای همه، ضروری است که جامعه بین المللی اقداماتی مقتضی برای ایجاد همکاری بین نمایندگی‌های علاقه‌مند با استفاده از مکانیزم‌های موجود به‌عمل آورد. (۱) - حمایت مستمر از آموزش و پرورش برای همه بر اساس تحرک ایجاد شده به‌وسیله کنفرانس جهانی (۲) - تسهیل تبادل اطلاعات مربوط به پیشرفتهای حاصله در نیل به اهداف آموزش پایه (۳) - تشویق و ترغیب دست‌اندرکاران جدید برای پیوستن به این کوشش جهانی، (۴) - حصول اطمینان از اینکه کلیه اعضا به‌اهمیت تداوم پشتیبانی قاطع از آموزش پایه آگاهی کامل دارند. مرحله‌بندی پیشنهادی اقدامات، برای سالهای دهه ۱۹۹۰.

۴۹ - هر کشور در تعیین اهداف و مقاصد میانی خود و نیز برای ترسیم طرح اجرایی برای نیل به آن اهداف، ضمن اجرای کار یک جدول زمانی خاص برای هماهنگی و برنامه‌ریزی فعالیتها تنظیم خواهد نمود. همینطور لازم است اقدامات منطقه‌ای و بین المللی به‌منظور کمک به‌کشورها برای رسیدن به اهدافشان جدول‌بندی شود. برنامه کلی زیر یک مرحله‌بندی پیشنهادی را برای سالهای دهه ۱۹۹۰ ارائه می‌دهد. البته مراحل خاصی ممکن است بنا به ضرورت با یکدیگر تداخل داشته و تاریخ‌های تعیین شده، نیاز به تطبیق و هماهنگی با شرایط تک تک کشورها و بافت سازمانی آنها داشته باشد:

(۱) دولتها و سازمانها اهداف ویژه خود را مشخص نموده و طرح‌های اجرایی خود

به منظور تامین نیازهای یادگیری پایه را تکمیل کرده و یا طبق شرایط زمان هماهنگ می نمایند.
(۱ - ۱) اتخاذ خط مشی هایی برای افزایش تناسب کیفیت، تساوی و کارایی خدمات و برنامه های آموزش پایه.

(۱ - ۲) یافتن روشهایی برای هماهنگ کردن رسانه های اطلاعاتی و ارتباط به منظور نیازهای آموزش پایه.

(۱ - ۳) استفاده کردن از منابع و ایجاد مشارکت عملی.

(۱ - ۴) دست اندرکاران بین المللی از طریق پشتیبانی مستقیم و همکاری های منطقه ای به کشورها کمک می کنند، تا این مرحله مقدماتی را به پایان برسانند. (۱۹۹۹ - ۱۹۹۰).

(۲) آژانسهای توسعه، خط مشی ها و طرح هایی را برای سالهای دهه ۱۹۹۰ در راستای اقدامات خود به منظور پشتیبانی مستمر از فعالیتهای منطقه ای و ملی در پیش گرفته و کمکهای مالی و فنی خود را به آموزش پایه افزایش می دهند. همه دست اندرکاران مکانیزمهای موجود برای مشورت و همکاری را تقویت کرده و استفاده می نمایند و روشهایی را برای کنترل پیشرفت در سطوح بین المللی و منطقه ای ایجاد می کنند.

(۳) مرحله اول انجام طرحهای اجرایی: عوامل هماهنگ کننده ملی، اقدامات اجرایی را کنترل می نمایند و تغییرات لازم در طرح ها را پیشنهاد می نمایند، همچنین اقدامات حمایتی بین المللی و منطقه ای به عمل می آید. (۱۹۹۵ - ۱۹۹۰)

(۴) دولتها و سازمانها یک ارزیابی میان دوره ای از اجرای طرح های مربوطه به عمل آورده و آنها را طبق نیاز تنظیم می نمایند. دولتها، سازمانها و نمایندگیهای توسعه، تجدیدنظر جامعی در خطی مشی های خود در سطوح منطقه ای و جهانی انجام می دهند. (۱۹۹۶ - ۱۹۹۵).

(۵) دومین مرحله انجام طرح های اجرایی و پشتیبانی فعالیتهای منطقه ای و بین المللی. آژانسهای توسعه طرح های خود را بنا به ضرورت تعدیل نموده و کمکهای خود را به آموزش پایه افزایش می دهند (۲۰۰۰ - ۱۹۹۶).

(۶) دولتها، سازمانها و آژانسهای توسعه، دست آوردهای خود را ارزیابی می کنند و در سیاست های منطقه ای و جهانی خود تجدیدنظرهای جامعی را به عمل می آورند.

۵۰ - موقعیتی بهتر از این برای از سر گرفتن اقدامات در مورد فعالیتهای پی گیری و درازمدت برای تامین نیازهای یادگیری پایه کودکان، نوجوان و بزرگسالان وجود نخواهد داشت. این کوشش نیازمند سرمایه گذاریهای وسیعتر و دقیق تر در زمینه منابع موجود آموزش پایه می باشد و اما مزایا و منافع آن زمانی آشکار خواهد شد که این امر بلافاصله به مرحله اجرا درآید و بنحو احسن در آینده ادامه یابد.